

Religious Studies

Vol. 11, No. 21, March 2023, 165-192

(DOI) 10.22034/JRR.2023.316277.1951

Phenomenology of the Concept of "Blessing" and "Curse" in Mesopotamia Civilizations

Khalil Hakimifar¹

Elaheh Miri²

Ali Reza Shojai³

(Received on: 2021-11-21; Accepted on: 2022-02-01)

Abstract

The change in the concepts of "blessing" and "curse" among the ancient Mesopotamians shows an example of the evolution of religious beliefs among them. The beliefs were part of the religious and mythological foundations of the owners of these civilizations and had a deep function in their lives. Therefore, blessing meant the favor of the gods in changing unfavorable situations and asking for a curse explicitly or implicitly was considered to be a request for their judgment for unjust situations and those who used the tactic of cursing were seeking heavenly justice and reform. Over time, these beliefs, while preserving their conceptual content, entered the semantic center of Judaism from the religious meanings of the ancient period. Using the phenomenological and comparative method, the present article examines these concepts and the process of their religious evolution in the religious culture before and after Judaism.

Keywords: Blessing, Cursing, Mesopotamia, Old Testament, Phenomenology of Religion.

1. Assistant Professor, Department of Philosophy and Religions, University of Sistan and Baluchistan, Zahedan, Iran (Corresponding Author), kh_hakimifar@theo.usb.ac.ir.

2. Master's Graduate in Philosophy and Religions, University of Sistan and Baluchistan, Zahedan, Iran, elahemiri382@yahoo.com.

3. Instructor, Department of Non-Abrahamic Religions, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, al.shojai@gmail.com.

پدیدارشناسی مفهوم «برکت» و «نفرین» در تمدن‌های میان‌رودان

خلیل حکیمی فر^۱

الاهه میری^۲

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲]

چکیده

بررسی مفاهیم «برکت» و «نفرین» در میان مردم بین‌النهرین باستان، نمونه‌ای از تحولات باورهای دینی نزد این مردم را نشان می‌دهد. از حیث التفاتی، این عقاید از بن‌مایه‌های دینی و اسطوره‌ای صاحبان این تمدن‌ها بوده و در زندگی آنها کارکردی عمیق داشته است. بدین صورت که «برکت» به معنای عنایت خدایان در تغییر اوضاع نامناسب بوده و درخواست نفرین به تصریح یا به تلویح تقاضای داوری آنان برای اوضاع و احوال ناعادلانه به شمار می‌رفته است و کسانی که از حربه نفرین استفاده می‌کردند در پی عدالت و اصلاح آسمانی بودند. این عقاید به مرور زمان از باورهای معطوف به مرکز معنای دینی دوره باستان به مرکز معنایی یهودیت وارد شده و در این فرآیند محتوای مفهومی‌اش را حفظ کرده است. این پژوهش با روش پدیدارشناسی و مقایسه‌ای، این مفاهیم و فرآیند تحولات دینی آن در فرهنگ دینی پیش از یهودیت و بعد از آن را بررسی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: برکت، نفرین، میان‌رودان، عهد عتیق، پدیدارشناسی دین.

۱. استادیار گروه فلسفه و ادیان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول)

kh_hakimifar@theo.usb.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و ادیان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

elahemiri382@yahoo.com

مقدمه

شاید مهم ترین دغدغه بشر در قرون متمادی، تلاش برای فراهم آوردن زمینه های زندگی و رفع موانع بر سر راه آن بوده است. بدون شک خاستگاه فکری برکت و نفرین باورهای مردمان دوران باستان در اطراف اسرائیل باستان بوده و کم کم به باورهای دینی سرایت کرده و در آموزه های ادیان ابراهیمی بازتاب یافته است.

بسیاری از متون و آثار موجود نشان می دهد نفرین و برکت در همه جوامع باستانی خاور نزدیک، از جمله اسرائیل باستان، مؤلفه ای تعیین کننده و از مهم ترین جنبه های ارتباط بین انسان ها و خدایان بوده و مردم خاورمیانه باستان تقریباً تمام امور زندگی شان، از روابط ساده اجتماعی تا تعاملات پیچیده بین المللی، را با برکت و نفرین مدیریت می کردند. برکت و نفرین در سطح زمین نوع رابطه میان اعضای خانواده، شرکای تجاری و نیز افراد و پادشاهان را منعکس می کرد. وعده ها و تهدیدها، به شکل برکت و نفرین داده می شد. نفرین هایی که علیه دشمنان صورت می گرفت، به خوبی شناخته شده بود. در این جوامع بقای فرد و جامعه در گرو رضایت و شادی خدایان محلی یا خدایانی بود که حضور مداوم و حمایت شان منجر به حفظ قبیله، شهر یا امپراتوری می شد. این افراد می توانستند از نفرین خدایان حامی خود برای از بین بردن دشمنان خود استفاده کنند و بدین وسیله امنیت و بقایشان را تضمین کنند. هدف نهایی از جلب رضایت قدرت های فوق طبیعی تأمین رفاه و امنیت برای خود و جامعه بوده است. کارکرد دیگر برکت و نفرین در زمینه معاهدات بین افراد، قبایل و جوامع بوده است که از جمله آنها معاهده میان هیتی ها و میتانی ها بود که در ۱۹۳۱ کشف شد. به هر حال، موضوع برکت و نفرین برای پژوهشگرانی که درباره تمدن های باستانی میان رودان مطالعه می کنند همواره جذابیت خاصی داشته است.

بسیاری از تحقیقات نشان می دهد برکت و نفرین با برخی گفتارها، از جمله سوگند، و با تعدادی اعمال، از جمله قربانی، همراه بوده است. این شامل همه توافق نامه ها از اسناد فروش،

تسویه ملک تا اختلافات مربوط به اموال و حتی میثاق بین یهوه و قومش می‌شد. سوگندها طرفین را ملزم می‌کرد در صورت دروغ‌گویی یا بی‌وفایی به مفاد قرارداد، از خدایان بخواهند آنها را مجازات کنند. این گونه نفرین‌های مشروط بسیار جدی تلقی می‌شد. به ویژه از این جهت که مردم معمولاً به ابزاری سوگند یاد می‌کردند که ظاهراً متعلق به خدا بوده است. اگر فردی سوگند را نقض می‌کرد، استفاده از این وسیله برای اجرای مجازات، که معمولاً مرگ بود، به عنوان داوری الهی فرض می‌شد. نفرینی که در قانون قدیم حمورابی (حدود ۱۷۹۲ تا ۱۷۵۰ پیش از میلاد) آمده، این رسم را نشان می‌دهد: «باشد که خدای نرگال... او را با سلاح قدرتمند خود تنبیه کند و اندام‌هایش را مانند سفال خرد نماید». بدیهی است که چنین نتایجی سوگندها را بسیار جدی و ترسناک می‌کرد (Kitz, ۲۰۰۷: ۲-۳). در سفر تثبیه هم آمده است: «اما اگر شما به صدای یهوه، خدای خود، گوش ندهید و احکامی را که امروزه به تو امر می‌کنم، رعایت نکنید، آن وقت همه این لعن‌ها بر سرتان خواهد آمد» (تثبیه ۲۸: ۱۵-۲۰).

پیشینه بحث

اکثر پژوهش‌هایی که درباره موضوع برکت و نفرین به زبان فارسی انجام شده، رویکردی دینی داشته و آن را از منظر قرآن و روایات بررسی کرده‌اند. از آن جمله است، مقاله عبدالرسول حسینی‌زاده با عنوان «بررسی مشتقات برکت در قرآن» و مقاله رضا محمدزاده با عنوان «بررسی مفهومی و مصداقی برکت از دیدگاه قرآن کریم». مقاله دیگر در این زمینه، پژوهشی است با عنوان «از آناتوم سومری تا اردشیر پارسی: نفرین در نبشته‌های شاهی میان‌رودانی و هخامنشی». بادامچی و افکنده در این مقاله نفرین را در حکومت‌های میان‌رودان و هخامنشیان بررسی مقایسه‌ای کرده‌اند. در غرب تحقیقات بر روی مفاهیمی چون «میثاق»، «برکت» و «نفرین» از سال ۱۹۳۱ و با تحقیقات کوروشک (V. Korosec) بر روی معاهدات هیتی‌ها آغاز شد. در ادامه، افرادی چون مندنهال (G. Mendenhall, ۱۹۵۴)، وایزمن (J.

Wiseman, ۱۹۵۸)، گویرتز (S. Gevirtz, ۱۹۵۹)، فنشام (F. C. Fensham, ۱۹۶۳) و هیلرز (D. R. Hillers, ۱۹۶۴) این مفاهیم را در آثار کشف‌شده بررسی کردند. وایزمن نخستین محقق‌ی بود که شباهت‌های میان نفرین‌های موجود در این آثار و عهد عتیق را بررسی کرد. هیلرز این مطالعات را گسترش داد و نتایج عملی این مفاهیم را کاوید (Kitz, ۲۰۰۷: ۲). به هر حال، این مطالعه متکفل بررسی این موضوع در تمدن‌های میان‌رودان باستان و ورود آن به حوزه ادیان ابراهیمی با استفاده از کتاب مقدس و تحقیقات صورت‌گرفته با رویکرد پدیدارشناختی است.

مفهوم «برکت» و «نفرین»

برای‌های عبری، בְּרָכָה (berakah, bracha, brokcho, brokhe) از ریشه عبری brk دارای معانی متعدد و نسبی است. معنای نخست که بیش از همه بر آن تأکید می‌شود مفهوم «شالوم» است، کلمه‌ای که معمولاً به «صلح» ترجمه می‌شود. اما صلح خدا (شالوم) نه تنها به معنای از بین بردن خشونت، بلکه به معنای اعطای فراوانی بسیار است (Boyd, ۲۰۰۵: ۱). معنای دوم این اصطلاح «به پای کسی افتادن و زانوزدن» است که احتمالاً اشاره به ستایشگری خدا دارد. نمونه این معنا را می‌توان در مزامیر ۶:۹۵ و در دوم تواریخ ۶:۱۳ مشاهده کرد. معنای سوم آن دریافت عطیه یا دادن آن است (Simons, ۱۹۸۱: ۹). معنای چهارمی که برای آن گفته شده «ایجاد ارتباط میان گروه‌ها» است که موجب رحمت و منفعتی می‌شود (Richards, ۱۹۹۲: ۷۲۴). معنای پنجمی که در عهد عتیق دیده می‌شود حوض و برکه است که از باب مثال در سموئیل دوم ۱۳:۳ و اشعیا ۱۳:۷ وجود دارد. فرهنگ لغت مفاهیم کتاب مقدس، «برکت» را چنین تعریف می‌کند: «برکت عبارت است از مزایای معنوی و مادی که خداوند برای بهره‌مندی انسان عرضه کرده و انتظار این است که دریافت‌کنندگان برکت، آن را از جانب خدا بدانند و شکرگزار او باشند» (Das, ۲۰۲۱: ۱).

«برکت» به نوعی، نیرویی رمزی و قدسی است که موجب فراوانی نعمت می‌شود. ممکن است مردم برکت‌زایی را به برخی از افراد، حیوانات، اشیا، و مکان‌ها منتسب کنند یا برخی از اعمال و رفتارهای آدمی را در برکت‌زایی یا برکت‌زدایی مؤثر بدانند. در اساطیر، گونه‌های فراوانی از رستنی‌ها، همچون دانه‌ها و درختان، به واسطه رشد و نمو و سرسبزی، سرچشمه حیات دانسته می‌شوند. منشأ گیاهی نخستین انسان‌ها در اساطیر ایرانی را می‌توان نمونه کهن چنین پنداری دانست. نیروی باروری، زایایی و برکت‌زایی برخی از رستنی‌ها از همین باور کهن نشئت می‌گیرد. اما «نفرین» در لغت به معنای دعای بد یا آرزوکردن وقوع حوادث ناگوار برای کسی یا چیزی است (دهخدا، ۱۳۷۰: ۱۳/۱۲۲). برکت و نفرین، هر دو استدعا از منبعی ماوراء طبیعی محسوب می‌شوند. با این تفاوت که برکت درخواست نیکی، و نفرین درخواست بدی به شمار می‌رود. بنابراین، از نظر معنایی با هم متضادند. جیمز آیتکن دو معنای کاربردی از ریشه «برکت» را مشخص می‌کند: اول، برکت «عرفی» که مردم در احوال‌پرسی از آن استفاده می‌کنند و با گفتن *May God bless you* یا *bless you* به یکدیگر دعای برکت می‌کنند. دوم، برکت میثاقی، که در آن خدا همچون ضمانت اجرایی پیمان‌ها در نظر گرفته می‌شود. از نظر ایشان، امروزه *brk* به معنای «برکت دادن/ ستایش» پذیرفته شده و معنای «زانودن» تا حد بسیار کنار گذاشته شده است (Aitken, ۲۰۰۷: ۹۳-۴ & ۶-۷).

به نظر می‌رسد نفرین‌ها برای نخستین بار در امور قضایی و در قوانین و قراردادهایی که در آنها سوگند وجود داشت، به کار رفته، با این هدف که در طرفین معاهدات چنان رعب و وحشتی ایجاد کند که آنها را ملزم به رعایت مفاد آن کند. برخی از معاهدات و قراردادها تعداد نفرین‌ها را افزایش می‌دهند تا مدام بر عواقب اجتناب‌ناپذیر نقض عهد تأکید کنند. قانون حمورابی با بیش از سی نفرین به پایان می‌رسد و پادشاه نئوشور، اسحرادون (۶۸۱-۶۶۹ ق.م)، قرارداد جانشینی‌اش را با بیش از صد نفرین تکمیل می‌کند (Kitz, ۲۰۰۷: ۲-۳).

ممکن است محققان در بررسی منابع مختلف بر اموری همچون اشکال، کارکردهای مختلف یا روش‌های برکت‌دادن بپردازند. در هر حال، برکت به مثابه ارتباط و عمل، حوزه مطالعاتی گسترده‌ای دارد که نمی‌توان آن را در یک مقاله بررسی کرد. مسلماً ترجمه واحد برای «برکت» در همه اینها هم مناسب نیست. مطالعات قبلی وجود عناصر جادویی در برکت را نشانه‌ای از ارتباط آنها با ادیان ابتدایی می‌دانستند، اما پژوهشگران بعدی کوشیدند نشان دهند که کارکرد کلمات «برکت» و «نفرین» را در قراردادهای توافق‌شده نشان دهند. آیین میثاق تا حدی مبتنی بر عمل بود اما در عین حال به قدری انعطاف‌پذیر بود که می‌توانست اشکال و عناصر گوناگون برکت از دوره باستان تا دوران حاضر را در برگیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد در متون برجای مانده از دوره باستان تعداد لعن و نفرین‌های به‌کاررفته بیشتر از تعداد برکات است. حتی در برخی موقع که انتظار برکت در برابر نفرین وجود دارد بیشتر بحث ستایش خدا مطرح می‌شود. اگر عمل برکت بیشتر مربوط به ستایش خدا باشد آنگاه این پرسش مطرح می‌شود که آیا ستایش و برکت اثری جادویی داشته‌اند یا در آن رابطه علی معلولی وجود دارد. در هر حال، نفرین هم مثل برکت از بن‌مایه‌های کهن در تمدن‌های باستانی بین‌النهرین بوده و در باورهای دینی صاحبان این تمدن‌ها تأثیر فراوان داشته است.

سرزمین بین‌النهرین (میان‌رودان)

از کوه‌های توروس، واقع در ترکیه امروزی، دو رود سرچشمه می‌گیرد که پیش‌تر نام‌های دیگری داشته‌اند، اما امروزه به دجله و فرات مشهورند و در القزنه عراق به هم می‌رسند و از این پس «شط العرب» می‌نامند. شط العرب تا مرز ایران امتداد می‌یابد و از این نقطه مرز آبی ایران و عراق می‌شود تا آنکه در خرمشهر، رود کارون و شط العرب به هم می‌رسند و اروندرود را تشکیل می‌دهند. اروندرود به راهش ادامه می‌دهد و در جزیره آبادان ایران و فاو عراق،

به خلیج فارس می‌ریزد (لسترنج، ۱۳۸۵: ۲۷). این سرزمین از دیرباز، یعنی حدود شش هزار سال قبل، تمدن‌های کهنی را در خود جا داده و آن را بارور کرده است. تمدن سومری و آکدی در جنوب و تمدن بابلی در میانه و آشوری در شمال. اگر به سرزمین‌های دورتر به طرف شمال و غرب پیش برویم به هیتی‌ها در آناتولی، سوری‌ها، آرامی و فنیقی‌ها در سواحل دریای مدیترانه و کنعانی‌ها در فلسطین، ساکنان شمال و غرب بین‌النهرین، می‌رسیم. اینها کهن‌ترین فرهنگ‌ها و تمدن‌های شناخته‌شده جهان‌اند که در آن سرزمین به بار نشسته‌اند و ادیان و فرهنگ‌های بسیاری را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند (پارو، ۱۳۹۱: ۳۸).

موضوع نفرین که در سنگ‌نبشته‌های بین‌النهرین و میان‌رودان بر جای مانده، مبین وجود یک سنت پیوسته فرهنگی از دوران سومریان تا پایان دوره بابلیان در تمدن بین‌النهرین است، گرچه این بن‌مایه نفرین در طول تاریخ تغییرات کمی و کیفی یافته است. آگاهی ما از این موضوعات در تمدن‌های بین‌النهرین از آثار و سنگ‌نوشته‌هایی است که حاکی از حضور معنادار موضوع برکت و نفرین در زندگی‌شان بوده است. این منطقه به اعتراف باستان‌شناسان آغازگر پیشرفت‌های بشری در همه زمینه‌ها و علوم دانسته شده و نخستین امپراتوری‌ها از اینجا به وجود آمده‌اند.

سومریان بر اساس تصورات دینی‌شان، خورشید را می‌پرستیدند و برکت‌بخشی را از او می‌دانستند. آنها خدایانی چون تموز، خدای کشاورزی، و سین، خدای ماه، را خدایان باروری می‌دانستند و برکت را به آنها منسوب می‌کردند. پُربرت‌ترین سرزمین از نظر سومریان، سرزمینی پاک و مقدس به نام دیلمون بود که مصداق عینی برکت به شمار می‌رفت، چرا که همه احتیاجات برای زندگی ایدئال در آن به وفور یافت می‌شد (سویشر، ۱۳۸۳: ۲۸). در عین حال، به باور آنها، در کنار ارواح پاک، که به حفظ و حمایت و دعای مردم اشتغال دارند، ارواح ناپاک و اهریمنی هم وجود دارند که به نفرین و گناهکاری دامن می‌زنند (لسترنج، ۱۳۸۵: ۳۰).

کهن ترین نفرین موجود در نیشته های برجای مانده از تمدن بین النهرین، متعلق به آناتوم (سده ۲۵ ق.م.)، یکی از فرمانروایان دودمان نخست لاگاش در سومر است. در نیشته آناتوم، در یادمانی که به مناسبت پیروزی بر فرمانروای دولت شهر اوم برپا کرد، نوع خاصی از نفرین دیده می شود که هدفش، هم تنبیه متجاوزان به یاد بود و هم تنبیه پیمان شکنان بوده است. در برخی از خرابه های سومری الواحی کشف شده که بعضی از دعا های ارواح پاک در آنها نقش بسته است (همان). در یک متن میخی سومری در حدود سال های ۲۱۵۰-۲۰۰۰ قبل از میلاد نتیجه نفرینی به تصویر کشیده شده که در اثر آن پایتخت باشکوه آگاده سقوط کرده است (Sidorova, ۲۰۱۵: ۹۸).

یکی از کارهای مهم سومریان که سخت به آن اعتقاد داشتند، قربانی بود. آنها برای در امان ماندن از نفرین های ارواح خبیث، عفریت و دیو، قربانی می کردند و معتقد بودند این کار باعث برکت بخشی به زندگی اینها می شود (دورانت، ۱۳۸۰: ۱۹۲/۱). بنا به نقل ویل دورانت، قربانی از نگاه بابلیان باعث فزونی نعمت و طرد ارواح خبیثه می شد. بنابراین، در بابل دائماً در معابد مراسم قربانی برپا می شد و البته این مراسم مملو از تشریفات و مناسک ویژه را باید کاهنان معابد انجام می دادند. در این صورت است که فرد وظیفه دینی اش را به درستی انجام داده و برکت بخشی را متوجه خود کرده است. در ابتدا و پایان قربانی هم اوراد و دعاهایی وجود داشت که کاهن معبد تلقین می کرد (همان: ۳۶۱/۱).

اکدیان به خدایی به نام «آن» (An) اعتقاد داشتند. این خدا، خداوند بهشت بود و خدایان دیگر تحت امرش بودند. برکت بخشی فقط از طریق این خدا یا خدایی که قدرت از سوی «آن» به آنها واگذار شده بود، صورت می گرفت (گرانوفسکی، ۱۳۴۵: ۴۳). علاوه بر این، احترام به خورشید و عبادت الاله های نورانی نیز در میان اکدیان رایج بود و آیین های مربوط به آنها در معابد با حضور کاهنان صورت می گرفت. به گمان آنها، بارقه های نورانی می تواند نفرین اجنه را دفع کند و برکت و خرمی و آبادانی به بار آورد (McCarthy,

۱۹۸۱: ۱۲۲). نفرین کارکرد دیگری هم در کارهای اکدی‌ان داشت و آن در هنگامی بود که مسئولیتی را به کسی واگذار می‌کردند؛ آنها موظف بودند در مراسمی با حضور کاهنان بر پیمان شکنان نفرین کنند (همان).

برکت و نفرین از جمله تشریفات دینی اکثر آشوریان است. در معاهده اسارهادون (Esarhaddon) نمونه‌ای از این نفرین‌ها چنین بیان شده است: «باشد که آشور، خدای خدایانی که سرنوشت‌ها را تعیین می‌کند، سرنوشتی ناخوشایند برای شما رقم بزند. باشد که او عمر شما را کوتاه نماید».

حضور نفرین به عنوان بن‌مایه‌ای فرهنگی و نیز یکی از عناصر موجود در نبشته‌های مزبور، به خوبی نشان از نوعی سنت پیوسته فرهنگی و ادبی است که به مدت دو هزاره، از مرحله سوم دوره دودمان‌های آغازین تا پایان حیات سیاسی میان‌رودان در نبشته‌های شاهی به کار می‌رفت. پس از فتح میان‌رودان به دست هخامنشیان، ایشان نیز نفرین را به همراه سایر بن‌مایه‌های سیاسی و فرهنگی برای نشان دادن مفاهیم مربوط به قدرت به کار گرفتند. بنابراین، حضور گسترده انواع دعا و نفرین در نبشته‌های شاهی میان‌رودان و تداوم و تحول بن‌مایه مذکور در نبشته‌های پارسی باستان و سرانجام کارکردهای آن در نبشته‌های شاهی میان‌رودانی و هخامنشی انکارپذیر نیست (بادامچی و افکنده، ۱۳۹۳: ۲۳). آنها از برکت و نفرین برای ارتباط با نیرویی مرموز و اسرارآمیز و تا حدی مینوی استفاده می‌کردند و با تأثیرگذاری بر رقیب، موجبات موفقیت خود و شکست دشمن را فراهم می‌آوردند و بدین ترتیب صدمات بسیار بر نفرین شده وارد می‌کردند؛ آسیب‌هایی که می‌توانست شامل آسیب جسمی، فقر، بینوایی، بی‌خانمانی، ناباروری و ... باشد. در این زمینه نقش جادو و جادوگران در اشاعه و تعمیق این فرهنگ در خور تأمل است (Little, ۱۹۸۷: ۱۸۲).

به طور کلی، در آثار مربوط به حوزه بین‌النهرین برکت به چهار شکل زیر خود را نشان می‌دهد:

الف. اظهار لطف؛ این فرهنگ‌ها عوامل فوق‌طبیعی را منبع نهایی نیازهای اساسی مانند شادی، امنیت، آزادی، صفا و فرزندداری تلقی می‌کردند. در این مواقع افرادی خاص مانند حاکمان یا جادوگران، میانجی دریافت این الطاف محسوب می‌شدند.

ب. ستایش عاملی متعال و قدرتمند؛ در اینجا انسان‌ها، خادمان خدایان تلقی می‌شدند که در قبال خدمت و ستایش مستوجب دریافت الطاف خدایان بودند. در این فرهنگ‌ها ستایش معمولاً به صورت عمومی و با اعمالی چون رقص و آواز انجام می‌شد. این اعمال توانایی‌های خدایان و اقدامات خوشایندشان و نیز وابستگی انسان‌ها به خدایان را نشان می‌داد. این نوع روابط شبیه روابط مشتری و فروشنده یا شبیه روابط ارباب-رعیتی بود.

ج. انجام دادن اعمال خاص برای برآورده شدن آرزوها یا جلب رضایت خدایان؛ در اینجا محتمل است که دست‌یابی به آرزوها یا جلب رضایت خدا مشروط به انجام دادن اعمال خاصی باشد، مانند پیمان‌ها که لطف خدا منوط به اجرای مفاد معاهدات بوده است.

د. آیین‌های خاصی که برای فعال کردن منبع برکت برگزار می‌شد. بسیاری از آیین‌های مختلفی که در بین صاحبان این تمدن‌ها اجرا می‌شد برای تأثیرگذاری بر منبع برکت بوده است. در این آیین‌ها از تصاویر سلطنتی یا تمثال‌های علوی استفاده می‌شد و اجرای این آیین‌ها بدون اینها امکان‌پذیر نبود (Frechette, ۲۰۱۲: ۱۳۰).

در کنار دعای برکت، درخواست نفرین از خدا یا خدایان، به تصریح یا به تلویح، داوری خدا برای اوضاع و احوالی غیرعادلانه بوده یا برای وضعیتی که نیاز به مداخله الهی داشته است. بنابراین، می‌توان گفت کسانی که از حربه نفرین استفاده می‌کردند، در پی عدالت و اصلاح آسمانی بودند. بر این اساس، نفرین‌های به‌کاررفته در اسناد یادشده:

۱. داوری‌های خدایان هستند.
 ۲. نشان از برانگیخته شدن خشم خدایان هستند.
 ۳. جدایی از جامعه را در پی دارند.
 ۴. اگر بخشیده نشوند، جزای مرگ حتمی خواهد بود (Kitz, ۲۰۰۷: ۴).
- با نگاهی به اعتقادات و باورهای مقدس تمدن‌های بین‌النهرین درمی‌یابیم که مردم به دریافت برکت و اجتناب از نفرین، بسیار اهتمام و توجه داشته‌اند. آنها از خدا یا خدایان برکت می‌جستند و در سایه دعا و نفرین ارواح خبیثه را از خود دور می‌کردند. حتی دعا و نفرین از ارکان مهم مراسم و تشریفات خاصی چون نفویض اختیارات مهم به فرمانروایان به حساب می‌آمد (Sidorova, ۲۰۱۵: ۹۸). اهمیت این موضوع از آن رو است که این موضوعات به تدریج از اسطوره‌های باستانی وارد حیطه دینی فرهنگی سامی شدند. بر این اساس، بررسی تحولات این مفاهیم در عهد عتیق نشان‌دهنده چگونگی تداوم آنها در فضای فرهنگی جدید است.

برکت و نفرین در عهد عتیق

مشتقات کلمه «برکت»، ۱۳۱ بار در ۱۲۱ آیه و مشتقات کلمه «نفرین»، ۱۰۵ بار در ۹۴ آیه در کتاب مقدس به شرح زیر آمده است. این برکت شامل حیات، طول عمر، فرزندان، ثروت، موقعیت، قدرت، امنیت، صلح، افتخار، لطف و به طور خلاصه شامل همه نیازمندی‌های انسان برای زندگی خوب است.

مرجع	رویداد	شخص
پیدایش ۳: ۱۴-۱۹	خداوند مار را به خاطر گناهان آدم و حوا نفرین کرد و زمین را نفرین کرد. او آدم و حوا را نفرین نکرد.	خدا
پیدایش ۴: ۹-۱۲	خداوند قابیل را به دلیل قتل هابیل نفرین کرد.	خدا

شخص	رویداد	مرجع
خدا	رحمت و لعنت خداوند بر قوم بنی اسرائیل منوط به اعمالشان بود.	تثنیه ۱: ۱-۱۴، تثنیه ۲۷
خدا	خداوند خانه ستمکاران را نفرین کند و خانه صالحان را برکت دهد.	امثال ۳: ۳۳
نوح	نوح کنعان را به سبب گناه پدرش (و شاید گناه کنعان) نفرین کرد. سام و یافث را نیز برکت داد.	پیدایش ۹: ۲۵-۲۷
اسحاق	اسحاق قصد داشت عیسو را برکت دهد. او غذای مورد علاقه خود را برای پدرش آماده کرد و سپس به حضور او بازگشت.	پیدایش ۲۷: ۱-۴
یعقوب	برکت و نفرین یعقوب برای پسرانش در واکنش به اعمال آنها بود.	پیدایش ۱: ۲۷-۴۹
بلعام	بلعام برای لعن اسرائیل پاداش گرفت، اما به دستور خداوند آنها را برکت داد.	اعداد ۲۲-۲۴
جالوت	جالوت داوود را به وسیله خدایان فلسطینی خود نفرین کرد.	اول سموئیل ۱۷: ۴۳
شمعی	شمعی داوود را هنگام پرواز از ابشالوم نفرین کرد.	دوم سموئیل ۱۶: ۵-۱۴
ارمیا	ارمیا بر صدقیا، خانه او و بر اورشلیم و یهودیه نفرین کرد.	ارمیا ۲۴: ۹
حضرت عیسی (ع)	عیسی (ع) پطرس را به خاطر شناخت او برکت داد.	متی ۱۶: ۱۷
حضرت عیسی (ع)	عیسی درخت انجیر را به دلیل ثمرندادنش نفرین کرد.	مرقس ۱۱: ۲۱
پطرس	پطرس خود را به دلیل انکار عیسی نفرین کرد.	متی ۲۶: ۷۴

در سراسر عهد عتیق منبع اصلی برکت فقط خدا است و برکت نتیجه رابطه مطلوب با اوست (Mitchell, ۱۹۸۷: ۱۶۹). با این حال، محتوا و هدف از برکت متفاوت است. این تفاوت‌ها بیشتر به منبع برکت، زمینه‌های فرهنگی، برکت‌دهنده و برکت‌گیرنده و وجود خدا یا فقدان آن مربوط می‌شود. به عقیده جیمز اتیکن (James Atiken) وقتی برکت‌دهنده و برکت‌گیرنده هر دو انسان هستند، «برکت» به معنای لطف اعطاشده از جانب خدا به انسان است و انسان‌ها واسطه انتقال برکت‌اند. اما وقتی خدا برکت‌دهنده است «برکت» به معنای لطف ویژه به گیرنده برکت است و بس؛ و وقتی برکت‌دهنده انسان و دریافت‌کننده برکت خداست، این به معنای ستایش است (Aitken, ۲۰۰۷: ۹۶-۱۰۲).

کاربرد این مفاهیم در عهد عتیق حاکی از این است که برکت و نفرین منشأ نیروی عظیمی هستند که می‌توانند زندگی و سرنوشت دریافت‌کننده‌شان را دگرگون کنند (پیدایش ۲۷: ۱۲). از این رو، این مردم برکت را ناشی از لطف خدا و نفرین را برخاسته از داوری خدا می‌دانستند. مشرکانی چون بابلی‌ها و مصریان معتقد بودند بیان برکت یا نفرین می‌تواند در اراده خدا تأثیر بگذارد و او را وادار به اقدام کند. اما موحدانی چون یهودیان معتقدند بودند نعمت یا نفرین صرفاً منعکس‌کننده مشیته است که خدا مقدر کرده است.

کتاب مقدس حاوی قوانینی است که بر استفاده از نفرین‌ها حاکم است. ناشنوایان (لاویان ۱۹: ۱۴) و حاکمان مردم (خروج ۲۲: ۲۸) نباید نفرین می‌شدند. هر کس که خدا را نفرین کند با مرگ حتمی روبه‌رو می‌شود (ایوب ۲: ۹). در عهد جدید، حضرت عیسی (ع) تعلیم داد که پیروانش نباید نفرین کنند، بلکه باید برکت دهند (لوقا ۶: ۲۸) و پولس آن پند را تکرار کرد (رومیان ۱۲: ۱۴).

به طور خلاصه، می‌توانیم بینیم که برکات و نفرین‌ها در عهد عتیق اموری واقعی هستند، اما همیشه مؤثر نیستند (امثال ۲۶: ۲). خداوند بر اساس اراده آزادش برکت می‌دهد یا نفرین می‌کند و این ممکن است در پاسخ به اعمال دیگران باشد یا نباشد. کلامش همیشه جامه

عمل به خود می پوشد (اشعیا ۵۵: ۱۱). انسان نیز ممکن است در واکنش به اعمال دیگران برکت دهد یا نفرین کند، اما ممکن است کلامش اصلاً مؤثر نباشد. تجزیه و تحلیل های مربوط به برکت نشان می دهد برکت، به لحاظ افراد دخیل در آن، سه نوع است:

۱. خدا انسان ها را برکت می دهد یا نفرین می کند.

۲. انسان ها انسان های دیگر را برکت می دهند یا نفرین می کنند.

۳. انسان ها خدا را برکت می دهند.

برای بررسی مفهوم «برکت» و «نفرین» در عهد عتیق لازم است سطوح مختلف آن تجزیه و تحلیل شود. چون دست کم گاه برکت به عنوان دعا به کار رفته است. البته تجزیه و تحلیل این مراتب به این معنا نیست که این سطوح را نمی توان به همدیگر ربط داد و تأثیر و تأثرشان بر یکدیگر را مشخص کرد. از نظر آتیکن، در بحث برکت و نفرین، دعا عاملی ارتباطی در نظر گرفته می شود و از این منظر، این مفاهیم می توانند به عنوان رفتاری اجتماعی، روان شناختی و عصبی تجزیه و تحلیل شوند. از این منظر برکت سه بخش اساسی دارد:

۱. تقدیس به معنای شناخت کسی یا چیزی به عنوان منبع خیر و برکت.

۲. نعمت به معنای لطفی که از جانب کسی در حق دیگری انجام می شود.

۳. ستایش به معنای تجلیل، تأیید و اشتیاق به جانب خیر (Frechette, ۲۰۱۲: ۱۳۰).

ترجمه «برک» (brk) به معنای ستایش به جای اعطای نعمت در الاهیات به معنای تفکیک برکات از جانب خدا و از جانب انسان است. رابطه میان ستایش و برکت به این صورت توضیح داده می شود که انسان هدیه یا قربانی یا ستایشی به خدا می دهد و خداوند از روی لطف هدیه اش را می پذیرد. بنابراین، تفاوت مهمی میان آن دو وجود دارد (Jokiranta, ۲۰۱۷: ۲۰۱۷).
۳. در اینجا پرسش هایی مطرح می شود، از جمله اینکه: آیا خداوند در هر برکتی نقش دارد؟ مثلاً در سلام کردن یا خدا حافظی کردن فقط آرزوها و خواسته های خوب برای یکدیگر

مطرح می‌شوند در حالی که از استناد آنها به عامل الاهی خبری نیست. دیگر اینکه: آیا وقتی انسان‌ها خدا را برکت می‌دهند، این صرفاً به ادای چند کلمه از جانب انسان خلاصه می‌شود؟ پاسخ مختصر این است که در هر دو صورت (یعنی عملی که انسان‌ها برای یکدیگر آرزوی خیر می‌کنند و عمل انسان‌ها که به خدا برکت می‌دهند و می‌گویند برکت بر تو باد) برکت به معنای ستایش است که با ادای کلمات تحقق می‌یابد. هرچند این تحقق با چشم ظاهر رؤیت‌پذیر نباشد (Anderson, 1991: 47).

هدف اصلی از دریافت برکت در عهد عتیق برخورداری از زندگی خوب و کامل است (مزامیر ۱۳۳: ۳). در اینجا بر کیفیت زندگی انسان بر اساس انتظار و هدایت خدا تأکید می‌شود. از این رو، اولین دستور الاهی در جهان هستی باروری و تکثیر بشر بود (پیدایش ۲۸: ۱). بر این اساس، اعطای فرزندان بسیار و تداوم نسل، از مهم‌ترین مؤلفه‌های روایت‌های انبیای شیوخ است. طول عمر (تثنیه ۳۰: ۱۶)، (اشعیا ۶۵: ۲۰-۲۳) زمین (پیدایش ۲۶: ۳-۴)، ثروت، از جمله محصولات کشاورزی و گله‌های اهلی (تثنیه ۱۳: ۷؛ حزقیال ۲۶: ۳۴؛ حجی ۱۹: ۲؛ مزامیر ۱۲۸: ۱-۴؛ ملاکی ۱۰: ۳؛ امثال ۲۲: ۱۰) و سلامتی (خروج ۲۵: ۲۳؛ تثنیه ۷: ۱۴-۱۵) نیز از عناصر مهم برکت‌اند. امنیت شخصی یا ملی (دوم ساموئیل ۲۹: ۷؛ مزامیر ۱۳: ۵؛ امثال ۱۱: ۱۱)، موفقیت نظامی (تثنیه ۶: ۱۵)، شهرت (اشعیا ۶: ۶۱؛ زکریا ۱۳: ۸) و افتخار (پیدایش ۱۲: ۲-۳؛ ارمیا ۲: ۴) از جنبه‌های فرعی برکت به شمار می‌روند. در خور توجه اینکه فاعل اغلب مشتقات «برک» که حالت فعلی دارند، خدا است و وعده‌های الاهی که خداوند در آنها اغلب به شکل اول شخص اعلام شده نشان‌دهنده برکتی است که او آغازگر آن است. هرچند در این زمینه، سنت نبوی بیشتر بر ملیت تأکید دارد تا فردیت، اما الگوی برکت بخشی خدا در این زمینه تفاوتی را نشان نمی‌دهد. ناگفته نماند که، جریان‌های فلسفی اغلب بر موضوع برکت بر اساس رابطه علی‌نگاه می‌کنند و عامل الوهیت را عاملی فرعی در نظر می‌گیرند. در حالی که رفتارهای انسان‌ها و پیامدهای آنها نشان می‌دهد که سنت‌های عقلی و میثاقی رابطه مفهومی متفاوتی

با هم نیستند. اطاعت انسان از مفاد میثاق می تواند منجر به زندگی، و نافرمانی از آن منجر به مرگ شود (تثنیه ۳۰: ۱۹؛ یوشع ۳۴: ۸). بر این اساس، اعمال خیر موجب سعادت و اعمال شر منجر به عذاب می شود (امثال ۳: ۳۳). این سنت های به ظاهر متمایز مبنای اعطای برکت از جانب خدا است (Kim, ۲۰۱۲: ۱۳۵).

تأثیرات عملی برکت و نفرین

در بررسی تاریخی برکت و نفرین نوعی فرآیند تکاملی مشهود است. این فرآیند در عهد عتیق به صورت سه شکل دیده می شود. اشکال اولیه برکت و نفرین با اعمال و احساسات جادویی مشخص می شوند. در مرحله دوم آیین های خاصی برای برانگیختن لطف خدا برگزار می شود. مرحله سوم مربوط به برکات یا نفرین هایی است که مستقیم از جانب خدا می آیند و به ارزش های اخلاقی اعلام شده از سوی پیامبران مربوط می شوند (Aitken, ۲۰۰۷: ۹). همه کتیبه های عبری باستان حاوی برکت و نفرین اند و اسامی خدایان نیز در آنها ذکر شده است. این مفاهیم به گونه ای ذکر شده که هیچ یک از آنها دارای قدرت جادویی نیست، بلکه برای تحقق خود وابسته به خدایان است (Crawford, ۱۹۹۲: ۲۰۸). در همه اینها دعای انسان عاملی اساسی برای جلب برکت خدا به حساب می آید و در عین حال در عهد عتیق هم آشکارا تأکید می شود که خداوند با دعای انسان مجبور به اعطای برکت نیست، بلکه مختار است. به عبارت دیگر، هر دعایی می تواند بنا بر عدالت یا رحمت خداوند نتیجه ای دیگر داشته باشد یا نادیده گرفته شود، چراکه خداوند قادر است برکت یا نفرین را باطل کند. با این حال، دعاهایی که در آنها اطاعت و اعتماد به وعده های میثاقی خدا یادآوری می شود در برکت الهی بسیار مؤثرند (تثنیه ۱۵: ۲۶ و ۱۱: ۱؛ دوم سموئیل ۲۹: ۷؛ اول تواریخ ۲۷: ۱۷). حتی مردم از این توانایی برخوردارند که با توسل به خدا برکات یا نفرین ها را باطل کنند یا تغییر دهند (Mitchell, ۱۹۸۷: ۱۷۶).

در سنت کتاب مقدس انسان‌ها نمی‌توانند هیچ نیروی مقدسی را به خدا منتقل کنند. برکت خدا از حوزه قدسی وارد حوزه مادی می‌شود و امکان تغییر در جهان و نظم کیهانی را فراهم می‌کند. برکت و نفرین در این زمان کارکرد اجتماعی نیز داشته و همچون وسیله‌ای برای اظهار قدرت و نیز وسیله‌ای برای مهار اجتماعی به کار می‌رفته است. معابد و مکان‌های مذهبی نیز جاهایی هستند که روحانیان در آنجا مسئولیت برکت را بر عهده دارند (اعداد ۲۳: ۶؛ تثنیه ۵: ۲۱؛ تواریح ۱۳: ۲۳). طبقه روحانیت در جامعه، طبقه‌ای محسوب می‌شد که خدا آنها را برای انتقال برکت انتخاب کرده است. بر این اساس، آنها امتیازات ویژه‌ای در جامعه داشتند، در حالی که عامه مردم افرادی بودند که وارد حوزه میثاق می‌شدند اما لاویان و کاهنان کسانی بودند که در همه حال خدا را برکت می‌دادند و دیگران آمین می‌گفتند (اول قرنطیان ۱: ۱۸-۲۰). البته تأثیر دعای کاهنان به سبب وعده خدا است نه به سبب خود کاهنان یا نیرویی خاصی که در سخنانشان وجود دارد (Gruneberg, ۲۰۰۳: ۱۰۴). در آیات مختلف عهد عتیق به افراد دیگری نیز اشاره شده که ناقلان برکت به دیگران اند. از جمله آنها سالمندان یا سرپرستان خانواده‌اند که بر وارثان خود برکت می‌دهند (پیدایش ۲۸: ۴۹، ۲۰: ۴۸ و ۴: ۲۷).

در واقع، انسان‌ها با گفتار خود اعمال متفاوتی انجام می‌دهند، مثلاً اظهاراتی چون وعده دادن، اعلام کردن، تعهد دادن و ... سخن گفتن در حکم عمل کردن هستند. از نظر آتیکن، کلمات در اینجا قدرت دارند و در نتیجه برکات تا حد بسیار محصول دعا و درخواست شناخته می‌شود تا جادو (Aitken, ۲۰۰۷: ۹). در اینجا جنبه ارتباطی میان اعطاکننده برکت و دریافت‌کننده آن اهمیت بسیار دارد. خداوند با اعطای برکت رابطه خود با مخلوقاتش را تقویت می‌کند. ظاهراً برکت شامل ثروت، موفقیت و سعادت می‌شود، اما این رابطه محدود به موضوعات و مسائل مادی نیست. این مفهوم با صراحت کمتر بر کیفیت روابط نیز دلالت دارد. بر این اساس، خداوند درست‌کاران را نجات می‌بخشد

و برکت می دهد و آنها همیشه در طلب خدا و مشتاق دیدارش خواهند بود (مزامیر ۲۴: ۷-۴). در این صورت برکت در حکم وفاداری، محبت و رحمت است (تثنیه ۷: ۱۲-۱۳). پشتیبانی خداوند از فقرا بعد دیگری از برکت است (اول سموئیل ۹-۸، ۴: ۲ و اشعیا ۴: ۲۵). کسانی که منتظر یهوه هستند حمایت الاهی را بخشی از برکت می دانند (اشعیا ۹: ۲۵؛ مزامیر ۱۳۷: ۸-۹؛ ایوب ۱۹: ۲۵). «برکت» به این معنا نشان دهنده رابطه ای است که خداوند تأیید می کند (مزامیر ۲۲-۲۳ و ۱۸: ۳۷). اما آنچه در برکت الاهی به مراتب تأثیر بیشتری دارد کردار درست انسان، اطاعت او از شرایط و مفاد میثاق است نه گفتار او. به هر حال، کسی که چنین کند نه تنها خود بلکه اطرافیانش هم از برکت الاهی برخوردار می شوند (امثال ۹: ۲۲، ۱۶: ۱۰؛ مزامیر ۳۷: ۲۵-۲۶). در اینجا منظور از کردار صحیح دست گیری از مساکین و مراقبت از ضعفا است. بنابراین، رفتار انسان با برکت الاهی کاملاً در ارتباط است. حضرت ابراهیم (ع)، هم برکت یافته و هم واسطه برکت به دیگران بود (پیدایش ۵: ۳۹ و ۱۲: ۱-۳).

در روابط میان انسان ها برکت می تواند سلام یا درود صرف باشد (پیدایش ۶: ۲۴، ۷: ۴۷؛ اول سموئیل ۱۴: ۲۵؛ دوم سموئیل ۳: ۲۱؛ امثال ۱۴: ۲۷؛ اول سموئیل ۱۴: ۲۵؛ دوم سموئیل ۳: ۲۱؛ امثال ۱۴: ۲۷؛ روت ۴: ۲؛ نحمیا ۲: ۱۱؛ اول تواریخ ۲: ۱۸). در اغلب این سلام ها هیچ نشانه ای از درخواست یا توقع نیست، با این حال سلام گفتن آغاز رابطه با خدا است، درست مثل عباراتی همچون «خدا حافظ» یا «خدا همراهتان» که به معنای آرزوهای خوب برای دیگران است.

در عهد عتیق، اغلب، برکت خدا در کنار پرستش او آمده است. کلمه «برکت» همیشه به معنای ستایش یا سپاس گذاری است اما برکت یافتن خدا در هیچ جای عهد عتیق به معنای افزایش قدرت الاهی نیست (Gruneberg, ۲۰۰۳: ۱۱۶). علاوه بر واژه «برکت» اصطلاحات دیگری چون «کمال»، «آرامش»، «خوبی»، «وفاداری»، «احترام»، «مهربانی»،

«لذت»، «رفاه» و ... کلماتی هستند که بر برکت دلالت دارند، همچنان که در متون مقدس «برکت» و «ستایش» با هم مرتبط و دارای همبستگی متقابل اند، «برکت» و «نفرین» هم با هم رابطه متقابل دارند (پیدایش ۳: ۱۲؛ تثنیه ۲۹: ۱۱؛ یوشع ۳۴: ۸).

در عهد عتیق عبارت «اکنون ملعون هستی» بیانگر نفرین خدا است (پیدایش ۳: ۱۴ و ۱۱: ۴). این نمونه‌ها نشان می‌دهد که جزای ناشی از نفرین‌ها برخاسته از خشم عادلانه خدا بوده است. به اعتقاد این مردم، اغلب کیفی‌های الهی در ارتباط با نفرین‌ها بوده است. در سفر داوران نفرین یوتام بر ایملک همین قاعده را منعکس می‌کند: «اگر یقین دارید که رفتارتان در حق جدعون و پسرانش درست بوده است، پس باشد که شما و ایملک بایکدیگر خوش باشید. اما اگر برای جدعون و فرزندانش ظلم کرده‌اید، آتشی از ایملک بیرون بیاید و اهالی شکیم و بیت ملوح را بسوزاند و از آنها هم آتشی بیرون بیاید و ایملک را به آتش کشد» (داوران ۹: ۱۹-۲۰). نفرین یوتام ظاهراً بعد از سه سال کارگر شد و خدا روح شریری را در میان ایملک و بزرگان شکیم قرار داد. آیه ۲۴ در واقع به عنوان مجازات اعمال خشونت بر پسران جدعون تعیین شده است.

در جایی دیگر، «نفرین» صراحتاً به معنای داوری الهی است. وقتی داوود می‌توانست شائول را بکشد، فقط قسمتی از ردای شائول را برید و گفت: «خداوند در میان من و شما حکم کند و خودش انتقام مرا از شما بگیرد» (اول سموئیل ۱۲-۲۴). مجموعه نفرین‌هایی که در انتهای قانون حمورابی، پادشاه بابل، در حدود ۱۷۵۰ تا ۱۷۹۲ مطرح می‌شود از شمش، خدای خورشید به عنوان داور بزرگ آسمان و زمین یاد می‌کند. در سفر پیدایش نفرین یهوه بر آدم و حوا نیز به همین شکل است (پیدایش ۱۶-۱۹). با توجه به میزان تأثیر انواع نفرین‌های خدا بر افراد، این میزان تأثیر سه درجه دارد:

۱. رنج‌کشیدن و از دست دادن امید و اعتماد به نفس؛ این نوع مجازات جمعی است و حالت واگیر دارد. از این رو، فرد خاطی باید از اجتماع رانده شود تا مکافاتش

به دیگران سرایت نکند. نمونه آن داستان مریم و موسی است. در سفر اعداد، در داستان مریم نمونه ای دیگر از آثار نفرین الاهی را شاهدیم: «وقتی مریم و هارون موسی را به علت حبشی بودن همسرش سرزنش کردند، خداوند در ستونی از ابر بر آنان نازل شد و فرمود: چطور جرئت کردید او را سرزنش کنید. پس خشم خداوند برای ایشان جاری شد. به محض اینکه ابر از برابر آنها برخاست، بدن مریم از مرض جذام سفید شد». بیماری مریم نشانه ای از خشم خدا بود. از این رو نمی توانست در میان جمع باشد. چون اگر در جامعه می ماند، خشم خداوند به دیگران نیز سرایت می کرد. بنابراین، باید هفت روز از اردوگاه اخراج می شد. جالب اینجاست که در میان آثار اکدی و سومری نیز به بیماری های پوستی به عنوان نشانی از نفرین و مجازات الاهی اشاره شده است. از باب مثال، در لوحی سنگی که از دوره سلطنت مردوخ بالاوان اول (حدود ۱۱۵۹-۱۱۷۱) بر جای مانده، چنین آمده است: «باشد که به واسطه مجازات الاهی پوستش به بیماری مبتلا شود و از میان مردم اخراج گردد» (Scheil, ۱۹۰۵: ۳۱-۹).

۲. مجازات به مرگ زود هنگام؛ دو نفرین در مزامیر ۸: ۱۰۹ بازتاب چنین مجازاتی است که می گوید «باشد که عمر او کوتاه شود و کسی دیگر بر جای او قرار گیرد». این نوع مجازات فقط متوجه یک شخص است و فرد گنهکار خود باید به تنهایی کیفر گنااهش را ببیند.

۳. مرگ آبی؛ این نفرین بیشتر برای ریشه کن کردن افراد شوم و بدبخت اجرا می شود. نمونه ای از آن در معاهدات هیتی ها یافت می شود. در معاهده ای که میان هتوسیلی سوم (Hattusili III) و آمی تشوب (Ulmi-Teššub) (حدود سال ۱۲۷۵) منعقد شده آمده است: «پس باشد که هزاران خدا شما را، همسر شما، پسران شما، زمین شما، خانه شما، باغ شما، مزارع شما، گاوها و گوسفندان شما و تمام دارایی های شما را

از میان بردارد» (Beckman, ۱۹۹۶: ۱۰۷). هدف از این نفرین زدودن ذریه و نام است. نمونه‌های مشابه در عهد عتیق هم دیده می‌شود. در مزمو ۱۰۹ آمده است: «باشد که ذریه اش قطع شود و نامش پاک گردد»؛ یا در اشعیا ۲۰: ۱۴ بدین صورت دیده می‌شود: «باشد که نامی از ذریه بدکاران نماند». این نوع نفرین با باروری و نسل انسان و حیوان مرتبط است و دایره شمولش، هم برای افراد حال حاضر و هم برای آیندگان آن نسل است. اتفاقی که در این نوع مجازات می‌افتد از بین رفتن فرد و انقراض نسل و حتی نام و آوازه اوست.

در مطالعات موجود، پژوهشگران به تقسیم‌بندی دیگری از نفرین توجه کرده‌اند و آن عبارت است از نفرین مشروط و نفرین بی‌قید و شرط. نفرین‌های مشروط معمولاً به صورت فرمول «اگر... پس آنگاه...» هستند. این‌گونه نفرین‌ها بیشتر در قراردادها و معاهدات به کار رفته است. بر اساس اسناد برجای مانده، پیمان‌هایی که میان پادشاهان و رعایا بسته می‌شد ویژگی‌های مشروط داشتند، چراکه این معاهدات به عنوان ابزاری برای مهار و مدیریت مجموعه زیردست به کار گرفته می‌شد. اما نوع دوم از آنها، نفرین‌های بی‌قید و شرط است. این نفرین‌ها بیشتر مرتبط با سوگندها به کار رفته‌اند. نمونه‌های متعددی از اینها را می‌توان در عهد عتیق با این عبارت دید که: «باشد که خداوند چنین کند». در عهد عتیق نفرین‌های داوود علیه یوآب و خانواده اش نمونه‌ای از نفرین‌های بی‌قید و شرط‌اند. وقتی داوود شنید که یوآب به انتقام خون برادرش عسائیل، ابنیر را کشته است، گفت: «من و قوم من در پیشگاه خداوند از خون ابنیر تا ابد مبرا هستیم. خون او به گردن یوآب و خانواده اش باشد. عفونت و جذام همیشه دامنگیر نسل او باشد. فرزندانش عقیم شوند و از گرسنگی بمیرند یا با شمشیر کشته شوند» (دوم سموئیل ۳: ۲۸-۲۹).

نتیجه

در مقاله حاضر موضوعات نفرین و برکت به عنوان دو پدیده در دو دوره دینی بررسی شد. بررسی های پدیدارشناختی حاکی از این است که در تمدن های میان رودان، دو مفهوم «برکت» و «نفرین» با توجه به نقش و کارکردشان در زندگی مردم، در مرکز معنایی ادیان باستان قرار داشته اند. با ظهور ادیان ابراهیمی این مفاهیم وارد مرکز معنایی دین جدید می شوند و با اندکی تغییر در نسبت ها، نقش و کارکرد پیشین خود را به دست می آورند. هدف از این تحقیق مطالعه همین نقش و کارکرد در دو مرکز معنایی متفاوت بوده است. بی تردید جوامع بین النهرین باستان به مفاهیمی چون «برکت» و «نفرین» نگاهی متفاوت با جوامع امروز داشتند. برای آنها برکت صرفاً آرزوی خوب، و نفرین صرفاً به معنای توهین نبود، بلکه این مفاهیم اموری بسیار جدی تلقی می شدند. آنها از خدا یا خدایان برکت می جستند و در سایه دعا و نفرین ارواح خبیثه را از خود دور می کردند. حتی دعا و نفرین از ارکان مهم مراسم و تشریفات خاصی چون تفویض اختیارات مهم به فرمانروایان به حساب می آمد.

در عهد عتیق نیز برکت و نفرین منشأ نیروی عظیمی هستند که می توانند زندگی و سرنوشت دریافت کننده شان را دگرگون کنند. با این تفاوت که در اینجا برکت ناشی از لطف خدای یگانه و نفرین برخاسته از داوری او تلقی می شود. در سراسر عهد عتیق منبع اصلی برکت فقط خدا است و برکت نتیجه رابطه مطلوب با اوست. در اینجا انسان، هم می تواند دریافت کننده برکت، واسطه برکت و هم دهنده برکت باشد. وقتی برکت دهنده و برکت گیرنده هر دو انسان اند، «برکت» به معنای لطف اعطاشده از جانب خدا به انسان است و انسان ها واسطه انتقال برکت اند. اما وقتی خدا برکت دهنده است برکت به معنای لطف ویژه به گیرنده برکت است و بس. وقتی برکت دهنده انسان و دریافت کننده برکت،

خدا باشد، این به معنای ستایش است. بنابراین، در عهد عتیق، اغلب، برکت خدا در کنار پرستش او آمده و همیشه به معنای ستایش یا سپاس‌گزاری است، اما برکت یافتن خدا در هیچ جای عهد عتیق به معنای افزایش قدرت الهی نیست. اهمیت این موضوع آنجا است که بدانیم این موضوعات به تدریج از اسطوره‌های باستانی وارد حیطه دینی فرهنگی سامی شده‌اند. بر این اساس، بررسی تحولات این مفاهیم در عهد عتیق نشان‌دهنده چگونگی تداوم آنها در فضای فرهنگی جدید است. تفاوت‌های موجود میان این دو فضای فرهنگی بیشتر به منبع برکت و نفرین، کیفیت رابطه و هدف از برکت دادن یا نفرین کردن مربوط می‌شود.



منابع

- کتاب مقدس، ترجمه تفسیری در: www.bibleserver.com
- بادامچی، حسین؛ افکنده، احسان (۱۳۹۳). «از آناثوم سومری تا اردشیر پارسی: نفرین در نیشته‌های شاهی میان‌رودانی و هخامنشی»، در: مطالعات تاریخ فرهنگی، س ۵، ش ۱۹، ص ۱-۲۲.
- پارو، آندره (۱۳۹۱). سومر و اکد، ترجمه: محمدرحیم صراف و منیژه ابکایی خاوری، تهران: افق نو.
- دورانت، ویل (۱۳۸۰). تاریخ تمدن: مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه: احمد آرام، تهران: علمی و فرهنگی، ج ۱.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۰). لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- سویشر، کلاریس (۱۳۸۳). خاور نزدیک باستان، ترجمه: عسکر بهرامی، تهران: ققنوس.
- گرانتوفسکی، ادوین آریدوویچ (۱۳۴۵). تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ترجمه: کریم کشاورز، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- لسترنج، گای (۱۳۸۵). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه: عرفان محمود، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ سوم.

- Aitken, James K. (2007). "The Semantics of Blessing and Cursing in Ancient Hebrew", in: ANESSup 23 (Leuven: Peeters), 96-102, 11-17.
- Anderson, G. A. (1991). "The Praise of God as a Cultic Event," in: Priesthood and Cult in Ancient Israel (eds. G. A. Anderson/S. M. Olyan; JSOT Supplement Series 125; Sheffield), pp. 15–33.
- Beckman, G. (1996). Hittite Diplomatic Texts, SBL Writings from the Ancient World, vol. 7.
- Boyd, Rev Ale Jean (2005). "Blessing in Scripture, Liturgy, and the Life of the Church", Lutheran Theological Seminary, Saskatoon.
- Crawford, T. G. (1992). Blessing and Curse in Syro-Palestinian Inscriptions of the Iron Age, New York.
- Das, Joshua (2021). "Blessing in Genesis" available at: www.academia.edu/34125271/Blessing_in_Genesis
- Frechette, Christopher G. (2012). "Blessing 1: Ancient Near East" In: The Encyclopedia of the Bible and Its Reception, Edited by H. J. Klauck, B. McGinn, P. Mendes-Flohr, et al., 4: 130–33, Berlin: de Gruyter.
- Grüneberg, K. N. (2003). Abraham, Blessing and the Nations: A Philological and Exegetical Study of Genesis 12: 3 in its Narrative Context, Berlin: BZAW 332.
- Jokiranta, J. M. (2017). "Towards a Cognitive Theory of Blessing: Dead Sea Scrolls as Test Case", In: M. S. Pajunen, & J. Penner (Eds.), Functions of Psalms and Prayers in the Late Second Temple Period (pp. 25-47), Beihefte zur Zeitschrift für die alttestamentliche Wissenschaft; No. 486, De Gruyter, <https://doi.org/10.1515/9783110449266-003>
- Kim, Hyun Chul Paul (2012) "Blessing 1: Ancient Near East" In: The Encyclopedia of the Bible and Its Reception, Edited by H. J. Klauck, B. McGinn, P. Mendes-Flohr, et al., 4: 130–33, Berlin: de Gruyter.

- Kitz, Anne Marie (2007). "Cursing in the Ancient Near East", in: Religion Compass, 1/6: 615–627, 10.1111/j.1749-8171.2007.00039.x
- Little, Lester K. (1987). "Cursing", in: Encyclopedia of Religion, vol. 4, ed. Mircea Eliade, New York: Macmillan.
- McCarthy, Dennis J. (1981). Treaty and Covenant: A Study in form in the Ancient Oriental Documents and in the Old Testament, Second, Rome: Biblical Institute Press.
- Mitchell, C. W. (1987). The Meaning of brk "To Bless" in the Old Testament, SBL Dissertation Series 95; Atlanta, Ga.
- Richards, Kent Harold (1992). "Bless/ Blessing" In: David Noel Freedman, Eds. The Anchor Bible Dictionary, vol. 1, pp. 753-55, New York: Doubleday.
- Scheil, V. (1905). Textes élamites-sémitiques, troisième série, Mémoires de la Délégation en Perse, vol. 6, Ernest Le Roux, Paris. Scholars Press, Atlanta, GA.
- Sidorova, Elena (2015). Rhetoric and Hermeneutics of Blessing and Curse in the Pentateuch, Charls University in Prague, Protestant Theological Faculty.
- Simons, Thomas (1981). Blessings: A Reappraisal of their Nature, Purpose, and Celebration, Saratoga, CA: Resource Publications.

References

- The Bible, Commentary Translation at: www.bibleserver.com
- Aitken, James K. 2007. "The Semantics of Blessing and Cursing in Ancient Hebrew", in: ANESSup 23 (Leuven: Peeters), 96-102, pp. 11-17.
- Anderson, G. A. 1991. "The Praise of God as a Cultic Event", in: Priesthood and Cult in Ancient Israel (eds. G. A. Anderson/S. M. Olyan; JSOT Supplement Series 125; Sheffield), pp. 15–33.
- Badamchi, Hoseyn; Afkandeh, Ehsan. 2014. "Az Anatom Sumeri ta Ardeshir Parsi: Nefrin

- dar Nebeshteh-hay Shahi Miyan Rudani wa Hakhmaneshi (From the Sumerian Anatomist to the Persian Ardeshir: Curse in Mesopotamian and Achaemenid Royal Inscriptions)", in: Cultural History Studies, yr. 5, no. 19, pp. 1-22. [in Farsi]
- Beckman, G. 1996. Hittite Diplomatic Texts, SBL Writings from the Ancient World, vol. 7.
 - Boyd, Rev Ale Jean. 2005. "Blessing in Scripture, Liturgy, and the Life of the Church", Lutheran Theological Seminary, Saskatoon.
 - Crawford, T. G. 1992. Blessing and Curse in Syro-Palestinian Inscriptions of the Iron Age, New York.
 - Das, Joshua. 2021. "Blessing in Genesis", Available at: www.academia.edu/34125271/Blessing_in_Genesis
 - Dehkhoda, Ali Akbar. 1991. Loghatnameh Dehkhoda (Dehkhoda Dictionary), Tehran: University of Tehran. [in Farsi]
 - Durant, Will. 2001. Tarikh Tamaddon: Mashregh Zamin Gahwareh Tamaddon (The History of Civilization: The Middle East, the Cradle of Civilization), Translated by Ahmad Aram, Tehran: Scientific & Cultural, vol. 1. [in Farsi]
 - Frechette, Christopher G. 2012. "Blessing 1: Ancient Near East", in: The Encyclopedia of the Bible and Its Reception, Edited by H. J. Klauck, B. McGinn, P. Mendes-Flohr, et al., 4: 130-33, Berlin: de Gruyter.
 - Grantovski, Edvin Arvidovich. 1966. Tarikh Iran az Zaman Baстан ta Emruz (History of Iran from Ancient Times to Today), Translated by Karim Keshawarz, Tehran: University Publication Center. [in Farsi]
 - Grüneberg, K. N. 2003. Abraham, Blessing and the Nations: A Philo-logical and Exegetical Study of Genesis 12: 3 in its Narrative Con-text, Berlin: BZAW 332.
 - Jokiranta, J. M. 2017. "Towards a Cognitive Theory of Blessing: Dead Sea Scrolls as Test Case", in: M. S. Pajunen, & J. Penner (Eds.), Functions of Psalms and Prayers in the Late Second Temple Period (pp. 25-47), Beihefte zur Zeitschrift für die alttestamentliche Wissenschaft; No. 486, De Gruyter, <https://doi.org/10.1515/9783110449266-003>
 - Kim, Hyun Chul Paul. 2012. "Blessing 1: Ancient Near East", in: The Encyclopedia of the

Bible and Its Reception, Edited by H. J. Klauck, B. McGinn, P. Mendes- Flohr, et al., 4: 130–33, Berlin: de Gruyter.

- Kitz, Anne Marie. 2007. "Cursing in the Ancient Near East", in: Religion Compass, 1/6: 615–627, 10.1111/j.1749-8171.2007.00039.x
- Le Strange, Guy. 2006. Joghrafiyay Tarikhi Sarzamin-hay Khelafat Sharghi (The Lands of the Eastern Caliphate), Translated by Erfan Mahmud, Tehran: Scientific & Cultural, Third Edition. [in Farsi]
- Little, Lester K. 1987. "Cursing", in: Encyclopedia of Religion, vol. 4, ed. Mircea Eliade, New York: Macmillan.
- McCarthy, Dennis J. 1981. Treaty and Covenant: A Study in form in the Ancient Oriental Documents and in the Old Testament, Second, Rome: Biblical Institute Press.
- Mitchell, C. W. 1987. The Meaning of brk "To Bless" in the Old Testament, SBL Dissertation Series 95; Atlanta, Ga.
- Parrot, Andre. 2012. Sumer & Akkad, Translated by Mohammad Rahim Sarraf & Manijeh Ebkayi Khawari, Tehran: New Horizon. [in Farsi]
- Richards, Kent Harold. 1992. "Bless/ Blessing", in: David Noel Freedman, Eds. The Anchor Bible Dictionary, vol. 1, pp. 753-55, New York: Doubleday.
- Scheil, V. 1905. Textes élamites-sémitiques, troisième série, Mémoires de la Délégation en Perse, vol. 6, Ernest Le Roux, Paris. Scholars Press, Atlanta, GA.
- Sidorova, Elena. 2015. Rhetoric and Hermeneutics of Blessing and Curse in the Pentateuch, Charls University in Prague, Protestant Theological Faculty.
- Simons, Thomas. 1981. Blessings: A Reappraisal of Their Nature, Purpose, and Celebration, Saratoga, CA: Resource Publications.
- Swisher, Clarice. 2004. Khawar Nazdik Bastan (The Ancient Near East), Translated by Askar Bahrami, Tehran: Ghoghhus. [in Farsi]